



The Production Planning from the Perspective of the Quran with an Emphasis on the Management Model of Hazrat Yusuf (A.S.)*



Mohammad Amiri ^۱

Ali Agha Safari ^۲

Abstract

Production planning is one of the most important tasks and strategies of production management, which should be taken as a pioneer in terms of quantity and quality considering the requirements of the competitive market promptly and with the most suitable method in various fields of product production. One of the administrators of the monotheistic system whose comprehensive program is prominently reported in the Quran is Hazrat Yusuf (A.S.). With the design and implementation of a unique production plan, that revelatory leader was aiming for better efficiency of employees, higher quality, more flexibility and improvement of the state of the government and the nation. By taking advantage of the participatory culture, he tried to eliminate the existing damage in the ruling system by institutionalizing the culture of responsibility and in this way the advantages of his plan compared to others in the way of management, organizing affairs, mass production and on time, relying on the level to draw acceptable maintenance quality and supply chain and so on to solve organizational problems and social issues. The present research has discovered and analyzed the production planning of Hazrat Yusuf (A.S.) by relying on revealed data and using the literature of organization and management science and using the content analysis method. The results and findings of the research indicate that the model used by Hazrat Yusuf (A.S.) in a three-stage process, in addition to providing biological needs and social well-being, has brought spiritual excellence and progress in spiritual dimensions, and today it can be considered as the most important in organizational planning, the effective and efficient model.

Keywords: Quran, Hazrat Yusuf (A.S.), Production Planning, Process, Model.

*. Date of receiving: May ۲۲, ۲۰۲۲, Date of approval: December ۲۲, ۲۰۲۲.

^۱. PhD, Quran and Management Science, Qur'an and Hadith complex, Al-Mustafa International University, Qom iran; (Corresponding Author) (m.amiri۴۸۱۱@gmail.com).

^۲. PhD, Quran and Management Science, Qur'an and Hadith complex, Al-Mustafa International University, Qom iran; (a.a.safari۱۳۶۴@gmail.com).



برنامه‌ریزی تولیدی از منظر قرآن با تأکید بر الگوی مدیریتی حضرت یوسف (ع)*

محمد امیری^۱ علی آقا صفری^۲



چکیده

برنامه‌ریزی تولیدی از مهم‌ترین وظایف و استراتژی‌های مدیریت تولید است که می‌بایست با توجه به اقتضائات بازار رقابتی به‌موقع و با مناسب‌ترین روش در عرصه‌های مختلف تولید محصول، از جهت کمیت و کیفیت به‌عنوان پیشگام حرکت کرد. یکی از مدیران نظام توحیدی که برنامه جامع آن در قرآن به‌صورت برجسته گزارش شده حضرت یوسف (ع) است. آن پیشوای و حیانی با طراحی و عملیاتی‌سازی برنامه تولیدی منحصربه‌فرد، درصدد کارایی مطلوب‌تر کارکنان، کیفیت بالاتر، انعطاف‌پذیری بیشتر و بهبود وضعیت دولت و ملت بود. وی با بهره‌گیری از فرهنگ مشارکتی تلاش کرد آسیب‌های موجود در سیستم حاکم را با نهادهای ساز فرهنگ مسئولیت‌پذیری بر طرف کند و از این طریق مزایای طرح خود در مقایسه با دیگران را در شیوه مدیریت، ساماندهی امور، تولید انبوه و به‌هنگام، با تکیه بر سطح کیفی نگهداری قابل قبول و زنجیره تأمین و مانند آن به‌منظور حل معضلات سازمانی و مشکلات اجتماعی، ترسیم کند. پژوهش حاضر با تمسک به داده‌های و حیانی و با بهره‌گیری از ادبیات دانش سازمان و مدیریت و با استفاده از روش تحلیل محتوی، برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع) را کشف و مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است. برآیند و ره‌آوردهای پژوهش حاکی از آن است مدل به کارگرفته‌شده توسط حضرت یوسف (ع) در یک فرایند سه مرحله‌ای افزون بر تأمین نیازهای زیستی و رفاه اجتماعی، تعالی معنوی، ترقی ابعاد روحانی را به همراه داشته و امروز نیز در برنامه‌ریزی‌های سازمانی می‌تواند به‌عنوان مهم‌ترین مدل مؤثر و کارآمد در کانون توجه قرارگیرد.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱.

۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران؛ (نویسنده مسئول) (از کشور افغانستان) (m.amiri4811@gmail.com).

۲. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علوم گرایش مدیریت، مجتمع عالی قرآن و حدیث، جامعه المصطفی العالمیه، قم ایران؛ (a.a.safari1364@gmail.com).



واژگان کلیدی: قرآن، حضرت یوسف (ع)، برنامه‌ریزی تولیدی، فرایند، الگو.

۱. مقدمه

موفقیت سازمان‌ها درگرو مدیران مؤثر و کارآمد و داشتن برنامه علمی و کاربردی است. اگر سازمانی دارای چنین مدیر و برنامه باشد، علاوه بر محصولات مطلوب و مطابق با رسالت خود، طرح‌ها و راهبردهای آن برای سایرین نیز الگویی است که بر اساس شرایط و اقتضانات می‌توانند از آن برای دستیابی به اهداف خود بهره گیرند. آموزه‌های وحیانی حاکی از آن است که یکی از مدل‌های مدیریت قرآنی که در آن به بیان برنامه تولیدی پرداخته شده الگویی مدیریتی حضرت یوسف (ع) است. با عنایت به اینکه هر جامعه‌ای به فراخور ماهیت و عناصر تشکیل‌دهنده خود، تحت تأثیر نظام ارزشی حاکم بر بافت جامعه است کشف و تبیین برنامه‌های قرآنی لازم و ضروری است؛ زیرا مدل‌های موجود غربی متناسب با مبانی ارزشی و فرهنگ جوامع مادی و سرمایه‌داری که در آن نوع سلطه و حاکمیت مفاهیم و باورهای اومانیستی مشاهده می‌شود ارائه شده‌اند و کسانی که در حوزه مدیریت اسلامی نیز سخن گفته‌اند بعضاً به دلیل آشنای سطحی با مبانی دینی و آموزه‌های وحیانی تصویری از مدیر مؤثر و کارآمد و برنامه‌های مطلوب ارائه کرده‌اند که هاله‌ای از باورهای غربی آن را فراگرفته است؛ ازاین‌رو پژوهش حاضر، تلاش دارد برنامه تولیدی از نگاه دینی با تأکید بر الگوی مدیریتی حضرت یوسف (ع) را از دریچه‌ای قرآن کشف و تبیین کرده و از این رهگذر ظرفیت‌های قرآن کریم در حوزه سازمان و مدیریت را ترسیم کند.

۲. پیشینه تحقیق

درباره پیشینه عام مسئله تألیفات علمی بسیار وجود دارد، ازجمله کتاب مدیریت تولید و عملیات دکتر فارسیجانی و حسین بیگی، مجموعه چهارجلدی مدیریت تولید و عملیات پیشرفته دکتر سیدحسینی و صفاکیش، کتاب مدیریت تولید و عملیات دکتر متقی و حسینی، کتاب رویکردهای مدیریت تولید و عملیات دکتر عالم تبریز و محمدرحیمی و مانند آن را می‌توان پیشینه غنی و قوی رویکرد مدیریت رایج بیان کرد. از منظر اسلام نیز در دو دهه‌های اخیر کتاب‌ها و پایان‌نامه‌هایی با رویکرد مدیریت اسلامی نگاشته شده و برخی به این مسئله عنایت داشته‌اند. از باب نمونه در کتاب مدیریت در اسلام، اثر علی‌آقا پیروز و دیگران (۱۳۸۸) در صفحات ۲۳ - ۲۵ با توجه به آیات ۴۷-۴۹ سوره یوسف به بیان برنامه‌ریزی پانزده‌ساله حضرت یوسف (ع) به‌صورت بسیار گذرا پرداخته شده است. در کتاب سیمای مدیر موفق، اثر محمد موحدی‌نژاد (۱۳۹۰) نکات مدیریتی آیات ۴۳-۵۵ سوره یوسف گزارش شده است. در کتاب سیصد نکته در مدیریت اسلامی، اثر محسن قرائتی (۱۳۹۱) در صفحات ۴۱-۴۵ نکات مدیریتی سوره یوسف به شیوه سلیقه‌ای بیان شده است. فصل پنجم، کتاب رویکرد اسلامی به مدیریت رفتار سازمانی در سطح سازمان، اثر عباس شفیعی (۱۳۹۶) سیمای حضرت یوسف و فلسفه الگوی وی در قرآن را به بررسی گرفته است. همچنین پایان‌نامه‌های نویسندگان این اثر تحت عناوین: «شیوه‌های مدیریتی حضرت یوسف (ع) در قرآن» (جامع المصطفی، مجتمع امام خمینی، با راهنمای امیرعلی لطفی، ۱۳۹۲) و «مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) و حضرت موسی (ع) در قرآن» (جامعه

المصطفی، مؤسسه آموزش عالی علوم انسانی، با راهنمای عباس شفیعی، (۱۳۹۶) سبک‌ها و راهبردهای مدیریتی حضرت یوسف (ع) را از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار داده‌اند. بنابراین تحقیق حاضر، پیشینه عام نسبتاً غنی دارد، ولی بر پایه کنکاش‌های انجام‌شده با رویکرد اتخاذشده اثری در خور یافت نشد. این تحقیق تلاش دارد با مراجعه به آموزه‌های وحیانی برنامه‌ریزی تولیدی ارائه‌شده توسط حضرت یوسف (ع) را کشف و تبیین کند. مطالعات رهنمون به این است که برنامه‌ریزی تولیدی در قرآن دارای یک فرایند سه‌مرحله‌ای با معیارهای اساسی است و به نظر می‌رسد درک، کشف، تبیین و تحلیل، و واردسازی سامان‌مند آن به حوزه مدیریت در عرصه نظر و عمل اهمیت مبرهن و ضرورت روشن دارد. ازاین‌رو پژوهش پیش‌رو درصدد پاسخ‌گویی به پرسش‌های از قبیل: منظور از برنامه‌ریزی تولیدی در قرآن کریم چیست؟ رویکرد اسلام به برنامه‌ریزی تولیدی چگونه است؟ برنامه‌ریزی تولیدی الگوی مدیریتی حضرت یوسف (ع) دارای چه فرایندی است؟ می‌باشد.

۳. مفهوم شناسی

یک. برنامه‌ریزی

برای برنامه‌ریزی تعریف‌های زیادی وجود دارد. ازجمله گفته شده «برنامه‌ریزی تعیین اهداف کوتاه و پیش‌بینی راه رسیدن به آن است»، «برنامه‌ریزی تصمیم‌گیری در مورد این است که چه کارهایی باید انجام گیرد» (رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ۱۳۸۸: ۱۷۹) و یا اینکه «برنامه‌ریزی تعیین اهداف درست و سپس انتخاب روش و وسیله مناسب برای به دست آوردن اهداف است» (پیروز و همکاران، مدیریت در اسلام، ۱۳۸۸: ۱۶) و ... به نظر می‌رسد که هدف اساسی از برنامه‌ریزی تنظیم فعالیت‌ها، افزایش بهره‌وری و متمرکز شدن بر مطلوب و احتراز از انحراف است؛ ازاین‌رو پیش از اقدام به استفاده از توان فیزیکی، باید اقدام به بهره‌گیری از توان ذهنی و فکری داشت ازاین‌رو می‌توان گفت: برنامه‌ریزی تصور و طراحی وضعیت مطلوب و پیش‌بینی کردن راه‌ها و ابزارهای رساننده به آن است.

الف. انواع برنامه‌ریزی

با عنایت به اینکه برنامه‌ها برای اهداف متنوعی تدوین و تنظیم می‌شوند تقسیم بندهای آن نیز متنوع بوده و در این حوزه رهیافت‌های گوناگونی وجود دارد ازجمله: ۱. برنامه‌ریزی از داخل به خارج و برنامه‌ریزی از خارج به داخل؛ ۲. برنامه‌ریزی از بالا به پایین و برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛ ۳. برنامه‌ریزی بر مبنای هدف؛ ۴. برنامه‌ریزی بر مبنای استثناء؛ ۵. برنامه‌ریزی اضطراری؛ ۶. برنامه‌ریزی اقتصادی (رضائیان: مبانی سازمان و مدیریت، ۱۳۸۸: ۱۸۶-۱۹۱)؛ اما در دسته‌بندی کلان می‌توان گفت: برنامه‌ریزی سه سطح اساسی دارد که عبارتند از: ۱. برنامه‌ریزی جامع و راهبردی؛ ۲. برنامه‌ریزی اجرایی؛ ۳. برنامه‌ریزی تخصصی. برنامه‌ریزی جامع و استراتژیک، با دوراندیشی و در جریان فرایندی نظام‌یافته انجام می‌گیرد که در این پژوهش به تبیین و تشریح آن پرداخته خواهد شد. برنامه‌ریزی عملیاتی برای تنظیم برنامه‌های کوتاه‌مدت و تعیین معیارهای کمی و



کیفی سنجش عملکرد و ارزیابی برنامه‌ها و هزینه‌ها و اصلاح انحراف‌ها است. برنامه‌ریزی تخصصی، از جهت ماهیت تخصصی برخی از وظایف مدیریت لازم است؛ مانند برنامه‌ریزی کنترل تولید در بخش تولید برای تولید متناسب با نیازها و برنامه‌ریزی نیروی انسانی برای تعیین تعداد افراد موردنیاز در سازمان در سال‌های آینده و برنامه‌ریزی مالی و تنظیم مجدد بودجه برای برآورد هزینه‌ها و درآمدها و تعیین منابع و شیوه مصرف (همان: ۱۸۲-۱۸۵).

ب) برنامه‌ریزی تولیدی

برنامه‌ریزی تولیدی (Production Planning) فرایند تصمیم‌گیری در خصوص منابعی است که سازمان برای عملیات تولید آینده‌اش به آن نیاز دارد. برنامه‌ای برای تخصیص منابع جهت تولید محصول موردنظر در تعداد موردنیاز با کمترین هزینه است. درواقع برنامه‌ریزی تولیدی حرکت رو به بیرون است؛ یعنی حرکت از زمان حال به سوی آینده است و این یکی از الزامات سازمانی است. مدیران در برنامه‌ریزی تولیدی می‌کوشند در شرایط مختلف کشف کنند که کدام حادثه در آینده رخ می‌دهد (منطقی، آینده‌پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی، ۱۳۹۰: ۶۱). درباره اینکه برنامه‌ریزی تولیدی چیست؟ دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است؛ اما در کل می‌توان گفت: برنامه‌ریزی تولیدی به معنای مدیریت کسب‌وکار و تعیین فرایندهای است که موجب تولید محصول یا ارائه خدمات در یک بازه زمانی مشخص است.

دو. فرایند

واژه فرایند یا فراگرد یا پروسه در علوم مختلف معانی متفاوت دارد؛ اما تمام آن‌ها باریشه لاتین (Process) در معنای «روند و پیش‌رفتن گام‌به‌گام به سوی هدف» هماهنگ هستند. از منظر مدیریت فرایند به معنای تغییر به‌سوی هدف با استفاده از سازوکار بازخورد است (رضائیان، اصول مدیریت، ۱۳۹۳: ۸) هر فراگرد دارای هدف، ساختار و نتیجه است. ساختار فراگرد بر نحوه به هم پیوستن فرایندها و عوامل متعدد، برای دستیابی به یک برآیند معین دلالت دارد (رضائیان، اصول مدیریت، ۱۳۹۳: ۸). ازاین‌رو فرایند یا فراگرد در علوم مختلف معانی متفاوت دارد، در مدیریت و امور سازمانی به مجموعه‌ای از اعمال ساختاریافته و ارتباط ایجادکننده یک خدمت یا محصول گفته می‌شود. در کاربردهای مربوط به مدیریت وظیفه مداوم و شامل مجموعه پیچیده‌ای از تصمیمات و اقدامات است (ساترلند و کانول، مفاهیم کلیدی مدیریت استراتژیک، ۱۳۹۰: ۳۴۴).

بر این اساس می‌توان گفت: فرایند به دنباله‌ای از تغییرات رخ‌دهنده در ویژگی‌های یک سیستم یا شیء گفته می‌شود که این تغییرات می‌توانند به طور طبیعی رخ دهند یا طراحی شده باشند. در این پژوهش منظور از فرایند مراحل و چگونگی گام‌های است که حضرت یوسف (ع) جهت نیل به هدف براساس واقعیت‌های اجتماعی و ظرفیت‌های موجود با استفاده از سازکارهای منحصر به فرد اتخاذ کرده است. نگارندگان این اثر سعی دارند که با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوی مدل قرآنی آن مدیر رحمانی را کشف و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند.

سه. حضرت یوسف (ع)

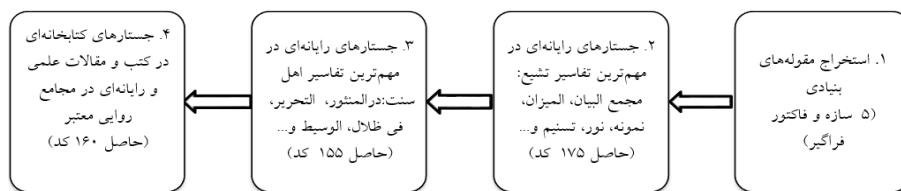
«یوسف» واژه «عبری» و به معنای «او می‌افزاید» است (کتاب مقدس، تورات، ۱۳۸۰: ۵۶). حضرت یوسف (ع) از جمله پیامبرانی است که یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به نبوتش باور دارند. ایشان پس از به قدرت رسیدن و شأن و شوکت یافتن در مصر (یوسف/ ۵۶) پدر و دیگر بستگانش (بنی اسرائیل) را به نزد خویش آورد (یوسف/ ۹۹-۱۰۰). سرگذشت حضرت یوسف (ع) با تمام جزئیات به ترتیب تاریخی از زمان تولد، نام زادگاه و سرزمین محل سکونت، نام پدر و مادر، چگونگی نام‌گذاری، اسامی و تعداد برادران، سن و سالش در هنگام انداختن به چاه، مبلغ فروش، نام عزیز مصر و همسر و... در کتاب مقدس گزارش شده است! (کتاب مقدس، تورات، ۱۳۸۰: ۵۶، ۱۰۲، ۱۶۸).

بر پایه گزارش‌های تورات پس از آنکه دعای «راحیل» مادر حضرت یوسف (ع) مستجاب و صاحب فرزند شد، نام او را یوسف گذاشت تا خداوند فرزند دیگری نیز به وی عطا کند (همان: ۵۶). طبق گزارش‌های کتاب مقدس حضرت یوسف (ع) پس از صد و ده سال زندگی وفات نمود و او را مومیایی و در تابوت گذاشتند (همان: ۱۰۱-۱۰۲).

از آنجاکه قرآن کتاب قصه نیست، آنچه در قالب قصص آمده است پیام فرازمانی و فرامکانی و متناسب با فطرت بوده و برای همیشه تاریخ بشر است. همه رویدادها حتی سرگذشت انسان‌های بزرگ در بستر زمان از یادها رفته و بخشی از افکار، گفتار و رفتار آنان مورد نقد واقع شده و می‌شود؛ اما فراز و فرودهای زندگی شخصیت‌های قرآنی، همیشه و برای همه قابل استفاده است، از این رو زاویه دید قرآن در بیان سرگذشت حضرت یوسف (ع) با تورات بسیار متفاوت است. در معجزه جاوید پیامبر خاتم (ص) هدف از بیان سرگذشت انبیا و الگوهای کامل انسانی، هدایت و رهبری است و برای رسیدن به این مطلوب بیان جزئیات و رعایت ترتیب تاریخی مهم نیست و لذا قرآن به آن‌ها نپرداخته، ولی ویژگی‌های پیامبران (ع) که بسیار مهم بوده مورد توجه قرار داده و رفتار فردی و اجتماعی آنان به ویژه حضرت یوسف (ع) را به عنوان الگو کامل معرفی کرده است (یوسف/ ۳، ۲۲، ۳۶-۴۱، ۴۷-۴۹، ۵۶ و...).

۴. روش تحقیق

از آنجاکه روش‌شناسی برآیند کنار هم قرارگرفته مبانی و منابع است، در پژوهش حاضر از شیوه تحلیل محتوا استفاده شده است؛ زیرا به نظر می‌رسد این روش برای بررسی و استخراج گزاره‌های دینی جامع‌تر است. شیوه مدنظر شامل مجموعه‌ای از فنون برای تحلیل نظام‌مند متن و مضمون، تلخیص، طبقه‌بندی و استنباط ویژگی‌های خاص از متن است. مبتنی بر این سبک، نخست مقوله‌ها از آموزه‌های اسلامی گردآوری و در قدم بعدی با گزاره‌های فراگیر سازه‌های اصلی ساخته‌شده و سپس زیرگونه‌ها و رابطه عناصر و متغیرها به تجزیه و تحلیل گرفته شده است.

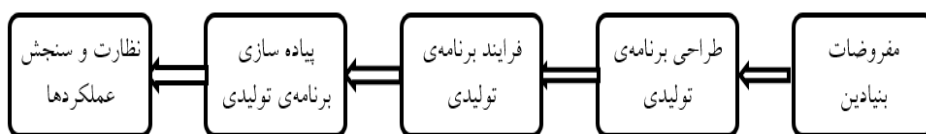


شکل ۱ فرایند روش پژوهش

شایان ذکر است، با وجود اینکه کاوش‌های رایانه‌ای مبتنی بر واژه‌های محوری صورت گرفته نه بررسی مستوفای همه منابع ولی باز هم داده‌های جمع‌آوری شده بسیار بیشتر از ظرفیت این تحقیق است. با عنایت به این مسئله پس از دسته‌بندی و نسبت‌سنجی مطالب، یافته‌های تکراری و غیر مرتبط حذف و از محتوا تا حد ممکن به شکل هدمفند استفاده شده است.

۵. تجزیه و تحلیل برنامه تولیدی

مجموعه داده‌های گردآوری شده در این بخش بر اساس مدل مفهومی به بررسی گرفته خواهد شد؛ زیرا مدل مفهومی مکانیسمی را ارائه می‌دهد که به کمک آن می‌توان چگونگی فرایند منطقی اجزا و ارتباط عناصر مختلف تشکیل دهنده هر نظریه و یا مسئله را شناخت. لازم به ذکر است که در دانش مدیریت برای برنامه‌ریزی تولیدی تاکنون مدل‌های بسیاری با فرایندهای مختلف ارائه شده است. در این مقاله مبتنی بر آموزه‌های قرآن فرایند برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع) به بررسی گرفته می‌شود.



شکل ۲ مدل مفهومی برنامه‌ریزی تولیدی در قرآن

۶. مفروضات بنیادین در برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع)

مفروضات بنیادین سلسله مباحث وابسته به هم و زیربنایی هستند. برای درک و تبیین برنامه تولید در قرآن نیاز به شناسایی این مفروضات است. میان مفروضات، ادراکات، نگرش‌ها و عواطف و کارکردها رابطه معناداری برقرار است. کیفیت مفروضات تحت تأثیر ماهیت سرنوشت، رابطه با طبیعت، رابطه میان افراد، نگرش‌ها به زمان، به فضا و تمایل به عمل‌گرایی است (رضائیان، مدیریت بر مبنای ارزش‌های اسلامی، ۱۳۷۵: ۹۷-۱۰۲).

بر پایه گزارش‌های قرآن به نظر می‌رسد برنامه‌ریزی تولیدی یوسف (ع) که از برنامه جامع آن قابل استنباط و

استخراج است مبتنی بر مفروضات بنیادین ذیل طراحی شده است:

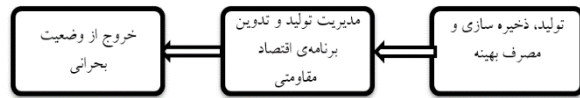
۱. حضرت یوسف (ع) نسبت به وضعیت، قوت‌ها و ضعف‌های جامعه مصر شناخت کامل داشت؛ چراکه از کودکی تا عنوان جوانی در کاخ عزیز مصر حضور فعال داشت؛ از این رو به فرهنگ، رویه و رسوم دولت و ملت مصر آگاه و عوامل داخلی و خارجی را به خوبی می‌شناخت (یوسف/۲۱-۲۹).
۲. ایشان به عنوان مدیر رحمانی موظف بود مردم را از گرفتاری‌های مادی و معنوی نجات دهد (یوسف/۳۹-۴۰؛ ۴۷-۴۹).
۳. آن حضرت پس از تعبیر خواب فرمانروا و طراحی برنامه جامع، با پیشنهاد فرعون مبنی بر تصدی مقام عالی حکومتی مواجه شد (یوسف/۵۰).
۴. ایشان برای رفع سوی تقاهم و تثبیت پاکی سابقه خود در افکار عمومی قبل از پذیرش مسئولیت حکومتی مطالبه اعاده حیثت نموده و بی‌گناهی خویش را در اذهان عمومی ثابت کرد (یوسف/۵۰-۵۳).
۵. با توجه به شناخت کامل حضرت یوسف (ع) از مصر و منابع مادی و معنوی آن، و شنیدن خواب فرمانروا، هدف‌گذاری کرده و با تحلیل «SWOT» راهبردهای مناسب را تدوین کرد (یوسف/۴۷-۴۹).
۶. حضرت یوسف (ع) به عنوان استراتژیست و اجراکننده برنامه راهبردی لازم بود که به امانت‌داری و تقوا شهرت داشته باشد و قبل از حاکمیت بر مردم بر نفس خود غلبه کند بدیهی است که کنترل نفس برای ایشان محقق بود (یوسف/۳۴، ۵۴/۵۵).

۷. طراحی برنامه ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع)

طراحی و ساختاردهی به تشکیلات از مهم‌ترین عناصر سازمانی در اجرای برنامه‌های کاربردی و راهبردی و تحقق چشم‌انداز است (اعرابی، روش‌های تحقیق در مدیریت راهبردی، ۱۳۹۰: ۹۳). بی‌تردید یکی از مدل‌های مهم در حوزه برنامه‌ریزی جامع و استراتژیک در آموزه‌های وحیانی، طرح جامع حضرت یوسف (ع) است. وی با درک دقیق و شناخت وضعیت و پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود که در مفروضات بنیادین به آن اشاره رفت، برنامه جامع ۱۵ ساله را طراحی، تدوین و به فرمانروای مصر ارائه داد. در عصر حکومت یوسف (ع) تحولات عظیمی در کشور متمدن و پهناور مصر از جهت مدیریت و مردم‌داری پدید آمده، تغییراتی که سرچشمه توحیدی و ایمانی داشت ملت خفته و خوابیده از لحاظ روحی را بیدار و به اصل کرامت و عزت انسانی بازگرداند (شفیعی، رویکرد اسلامی به مدیریت رفتار سازمانی در سطح سازمان، ۱۳۹۶: ۱۴۶). دولت و ملت مصر وقتی دیدند نظام ثنویت و صنمیت توانای حل مسائل و مشکلات را ندارد؛ اما در پرتو تعلیمات توحیدی یوسف (ع) نیازها برآورده و مشکلات برطرف شد، مردم انگیزه روزافزون به پیشرفت یافتند. در این قسمت بر اساس فرایندی برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع) به تجزیه و تحلیل گرفته خواهد شد.

۸. فرایند برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع)

آموزه‌های وحیانی به این رهمون است که جنبه‌های اصلی و شاخصه‌های برنامه جامع تولیدی حضرت یوسف (ع) در یک فرایند سه فازی قابل طرح و بررسی است، گام‌های این فراگرد در شکل (۳) به نمایش درآمده است.



شکل ۳ فرایند برنامه‌ی تولیدی حضرت یوسف (ع)^۲

الف. گام اول: تولید انبوه

کلام وحی مرحله اول برنامه‌ریزی تولیدی پیشنهادی حضرت یوسف (ع) را این‌گونه گزارش می‌دهد: «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» (یوسف/۴۷)؛ «هفت سال پی درپی می‌کارید و محصولات را به استثنای قوت سالانه، در خوشه‌های خود باقی می‌گذارید و ذخیره می‌کنید.» با توجه به اینکه واژه «دَاب» معنای توالی و استمرار می‌دهد (راغب، المفردات فی غریب القرآن، ۱۳۷۴: ۳۲۱؛ ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱/۳۶۱)؛ و قرآن کریم آن را درباره تابش دائمی نور ماه و خورشید و تأثیرات آن در زندگی انسان به‌کاربرده است: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبَيْنِ» (ابراهیم/۳۳)؛ برنامه جامع حضرت یوسف (ع) در مرحله اول؛ استفاده از تمام توان و تلاش برای هفت سال کاشت پی‌درپی و ذخیره محصول مازاد بر مصرف سالانه در خوشه است تا دانه‌ها در درازمدت از آسیب در امان بمانند (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/۳۶۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰؛ ابن عاشور، التحرير و التنویر، بی‌تا: ۱۲/۷۴). حضرت یوسف (ع) در راستای تحقق اهداف تولیدی از تمامی پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های موجود مانند زمین‌های حاصل‌خیز، آب فراوان، تجهیزات و امکانات کشاورزی به‌خوبی بهره‌برد و با خلاقیت مکانیسم منحصربه‌فردی در حوزه ذخیره‌سازی ایجاد کرد که هم نیازهای غذایی نیروی انسانی و هم کاه خوردنی چهارپایان در سال‌های قحطی تأمین شد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰). از جمله: «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ» به دست می‌آید که هفت سال فرصت برای حضرت یوسف (ع)، ظرف اجرای برنامه اقتصاد مقاومتی بوده است «قَلِيلًا مِّمَّا تَأْكُلُونَ»؛ یعنی مصرف بهینه و پسند کردن به کمتر درآمد تا بیشتر آن برای سال‌های بحرانی اندوخته گردد (ر.ک. طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/۳۶۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰؛ ابن عاشور، التحرير و التنویر، بی‌تا: ۱۲/۷۴).

شاخص‌های اساسی گام اول برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع)

با توجه به گزارش‌های قرآن کریم به نظر می‌رسد فاز اول برنامه وی دارای شاخص‌های اساسی است که می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

۱. هدف‌گذاری: هدف اساسی حضرت یوسف (ع) نجات مردم از بحران معرفتی و معیشتی بود. منظور از هدف‌گذاری تفکیک مأموریت‌ها به هدف‌های کوتاه‌مدت است. حضرت یوسف (ع) در فاز اول برنامه خود هدف‌ها و اولویت‌ها را بر اساس پیش‌بینی محیط بیرونی و ظرفیت‌های موجود تفکیک و تعیین نمود «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ...» و نیز مکانیسم بی‌نظیری برای شیوه ذخیره‌سازی و بهره‌گیری در درازمدت از محصولات ارائه کرد «فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ...».

۲. تدوین برنامه عملیاتی: ایشان برای دستیابی به اهداف راهبردی برنامه عملیاتی هفت ساله را تدوین کرد «تَزْرَعُونَ... فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ» از لحاظ علمی زمانی که بحرانی در پیش است بایستی بر ظرفیت تولید و کار افزود و این در برنامه ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع) به وضوح دیده می شود، چنانکه به نیروی انسانی دستور «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ ذَا بَأٍ...» را داد یعنی باید هفت سال پشت سرهم به طور مستمر و با جدیت بکارید و برداشت کنید (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۸۹؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی تا: ۷/۳۷۰؛ جوادی آملی، سیره پیامبران، ۱۳۸۹: ۷/۲۴).

۴. بهره گیری بهینه از امکانات موجود: با توجه به اینکه هر مدیر مؤثر و کارآمد در فرایند برنامه ریزی به تحلیل سوالات توجه اساسی دارد تا با درک وضعیت موجود و با آینده نگری و پیش بینی به موقع بتواند برای وضعیت مطلوب برنامه ریزی کند. حضرت یوسف (ع) با شناخت درست قوت ها و ضعف ها، فرصت ها و محدودیت ها در موقع مناسب دستورالعمل: «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ...» را به نیروی انسانی صادر کرد.

۵. استفاده بهینه از منابع محدود: حضرت یوسف (ع) با شناسایی دقیق فرصت ها و تهدیدات برای مقابله با حوادث طبیعی، قحطی و خشک سالی که بحران جدی دولت و ملت مصر بود (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۲۸-۴۳۲). دستور جیره بندی و استفاده بهینه از منابع محدود را صادر کرد «فَلْيَلَّا مِمَّا تَأْكُلُونَ».

۶. تحلیل عوامل محیطی: با توجه به گزارش های قرآن کریم (یوسف/۴۷-۴۹)، بحران اقتصادی سنگینی در انتظار مردم بود که اگر به درستی پیش بینی و راه های مقابله با آن از پیش برنامه ریزی نمی شد؛ دولت و ملت مصر با بحران اقتصادی کشنده ای روبرو بود؛ اما با تجزیه و تحلیل درست عوامل و ارائه طرح جامع، توسط حضرت یوسف (ع) و عملیاتی ساختن آن، کشور مصر و نیز اطراف آن از خطر قحطی کشنده نجات یافت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۹/۴۲۸؛ رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۳۴).

۷. آینده نگری: از مؤلفه های اساسی برنامه ریزی تولیدی و پاسخی خردمندانه به چالش های پدید آمده در پی دگرگونی ها، آینده نگری است. در این باره امیر بیان می فرماید: «داناترین مردم کسی است که بیشتر از همه به آینده نگری بپردازد» (آمدی، غرالحکم و درر الکم، ۱۴۱۰: ۲۱). حضرت یوسف (ع) نیز با آینده نگری و تلاش و پشتکار، هم برای موقعیت های بحرانی برنامه ریزی کرد «فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ»، هم به طراحی برنامه هفت ساله اول پرداخت «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ ذَا بَأٍ» و هم به تأمین رفاهی ملت مصر «ذُرُو... تَأْكُلُونَ» همت گماشت (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/۳۶۱؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰).

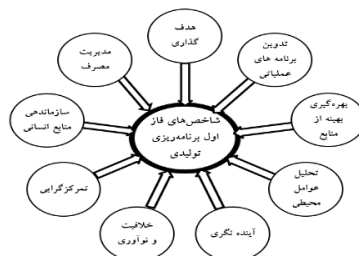
۸. خلاقیت و نوآوری: حضرت یوسف (ع) در ذخیره سازی و نگهداری محصولات تولید شده برای سال های بحرانی از فناوری و مکانیسم مطمئن بهره گرفت، با این فناوری بی سابقه، توانست هم مشکلات اقتصادی را مدیریت کند و هم رقبای فکری خود را شکست دهد «فَذَرَوْهُ فِي سُنْبُلِهِ» (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۳۴؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی تا: ۷/۳۷۱).

۹. تمرکزگرایی: حضرت یوسف (ع) با برنامه تولیدی معیشتی و معرفتی، مردم مصر را از پراکندگی و انحطاط اعتقادی و اقتصادی نجات داد و با ذخیره سازی محصولات در سیلوها و شیوه توزیع عادلانه آن

حاکمیت را استحکام بخشید (یوسف/۴۷؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰؛ رفسنجانی، راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۳۴؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی تا: ۷/۳۷۱؛ ابن عاشور، التحرير و التنویر، بی تا: ۱۲/۷۴).

۱۰. سازمان‌دهی منابع انسانی: سازمان‌دهی به معنای تنظیم ساختار فرایندهای سازمانی، برای تحقق اهداف تعیین‌شده ضروری است (هیوز، مدیریت دولتی نوین، ۱۳۹۴: ۵۵) و حضرت یوسف (ع) نیروهای سازمان بزرگ مصر را جهت اجرا و هماهنگی فعالیت‌ها، در راستای تحقق اهداف، با صدور دستورالعمل «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَابًّا» سازمان‌دهی کرد (طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۵/۳۶۱).

۱۱. مدیریت مصرف: مدیر کارآمد کسی است که با کم‌ترین هزینه و در کم‌ترین زمان؛ بیشترین سود و بازدهی را می‌آفریند و حضرت یوسف (ع) به‌عنوان یک مدیر اثربخش و کارآمد؛ با مدیریت مصرف بهینه، توانست هم بهره‌هزینه‌شده در محصولات تولیدشده در طی هفت سال فرصت را تا پایان برنامه راهبردی پانزده‌ساله بگیرد (یوسف/۴۷-۴۹)؛ و هم برنامه اقتصاد مقاومتی تدوین نماید (یوسف/۴۸) و هم عدالت اجتماعی را برقرار سازد «أَنْتَ أَفْنَى الْكَيْلِ» (یوسف/۵۹). شکل (۴) گام‌های مرتبط با مرحله اول برنامه تولیدی حضرت یوسف (ع) را به تصویر کشیده است.



شکل ۴ مؤلفه‌های اساسی مرحله‌ی اول برنامه‌ی تولیدی حضرت یوسف (ع)

گام دوم: مدیریت تولید

حضرت یوسف (ع) در گام دوم، ضمن بیان محدودیت‌ها برای مدیریت تولید و عبور از دوره گذار، برنامه اقتصاد مقاومتی ارائه فرمود: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ» (یوسف/۴۸)؛ پس از هفت سال فرصت، هفت سال تهدید و قحطی می‌آید، راه برون‌رفت از هفت سال قحطی آن است که محصولات ذخیره‌شده در سال‌های فرصت؛ مخارج سال‌های قحطی را تأمین کند تا مردم از «شِدَاد» هجوم لشکر گرسنه و شدت مشکلات اقتصادی در امان بمانند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی تا: ۷/۳۷۱).

این آیه با بیان تمثیل لطیف، سال‌های قحطی را به مثابه درنده خون‌آشام و مهاجم به مردم معرفی می‌کند که در صورت نداشتن ذخیره غذایی، نابودشان می‌سازد (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۰).

حضرت یوسف (ع) به مدیران خود گوشزد می‌نماید، طبق برنامه محصولات مازاد بر مصرف مردم را برای سال آتی نگه‌دارند «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ». بی تردید این گام بزرگ و حیاتی بدون خلاقیت و ابتکار عمل میسر

نمی‌گردد و فقط مدیری همچون حضرت یوسف (ع) می‌تواند با برنامه جامع خود؛ تهدیدها را به فرصت‌ها تبدیل کند و با اخلاق نیک و مدیریت بایسته و عدالت اجتماعی باورها و ارزش‌های توحیدی را در جامعه الحادی مصر نهادینه سازد.

مهم‌ترین شاخص‌های مرحله دوم برنامه‌ریزی تولیدی حضرت یوسف (ع)

با توجه به آموزه‌های قرآنی و تجزیه و تحلیل آیات در این حوزه می‌توان شاخص‌های این مرحله را به صورت ذیل ارائه نمود.

۱. شناسایی محدودیت‌ها: حضرت یوسف (ع) محدودیت‌ها را شناسایی کرد «سَبَّعَ شِدَادًا» و در راستای تحقق اهداف راهبردی و نهادینه‌سازی باورها و ارزش‌های الهی و انسانی تبدیل به فرصت کرد (طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی‌تا: ۳۷۱/۷)؛ و با ارائه طرح راهبردی و اقدام به موقع در قلب مردم نفوذ و همه را متوجه تصمیم‌های سازنده خود ساخت و جامعه را به سوی ارزش‌های عالی انسانی و مدیریت بایسته جهت‌دهی و با قدرت علمی در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی و به خصوص در عرصه مدیریت اقتصادی؛ رهنمون ساخت (یوسف/ ۵۱-۵۳؛ طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۱۹۱؛ طنطاوی، التفسیر الوسیط، بی‌تا: ۳۷۲/۷).

۲. بسترسازی روانی: سرزمین مصر در هفت سال فرصت و پیش از فرار سیدن سال‌های تهدید زمینه و ظرفیت تولید غلات و محصولات را بیش از مصرف سرانه خود داشت (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۳۰)؛ و یوسف (ع) قبل از اینکه ایام بحرانی برسد؛ از جهت روانی بسترسازی لازم را برای رویارویی با چنین شرایطی فراهم و مردم را آگاه ساخته بود؛ تا طبق طرح راهبردی ارائه شده از منابع محدود به صورت بهینه مصرف کنند (یوسف/ ۴۸).

۳. برنامه‌ریزی برای شرایط بحرانی: برنامه‌ریزی برای وضعیت بحرانی می‌تواند ملتی را از چالش‌ها و طوفان‌های سخت و حوادث غیرمترقبه عبور دهد و به سر منزل مقصود برساند (موحدی‌نژاد، سیمای مدیر موفق، ۱۳۹۰: ۱۰۰؛ جوادی‌آملی، سیره پیامبران در قرآن، ۱۳۸۹: ۲۴/۷)؛ و حضرت یوسف (ع) در فاز دوم برنامه جامع خود با عنایت به منابع محدود، برنامه‌ای را برای دوره گذار و تهدیدهای فزاینده تدارک دید و فرمود: «ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعَ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ»؛ با این اقدام اساسی و فوق‌العاده، فشارهای روانی و اقتصادی که باعث درهم‌شکستن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود را کنترل کرد و آسیب‌های ناشی از تهدیدها را تبدیل به فرصت نمود. در مسئله بحران شناسی نکته قابل تأمل این است که بحران همچنان که نشانگر یک مانع، آسیب، ضایعه یا تهدید است، نشانگر فرصت برای رشد یا افول نیز هست.

۴. تدوین برنامه اقتصادی: حضرت یوسف (ع) با صدور دستورالعمل «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ» برنامه اقتصادی خود را تدوین و با پیش‌بینی شرایط اقتصادی؛ بر اهمیت تولید، جمع‌آوری عایدات، نظارت بر روند تولید، لیست کردن مشارکت‌کنندگان در طرح راهبردی در سال‌های فرصت، تهیه لیست متقاضیان و مشتریان در سال‌های بحرانی و توزیع عادلانه محصولات، تأکید بسزا داشت (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/۴۳۱).

۵. فرماندهی: جوهره فرماندهی صدور دستورالعمل نظارت بر فرایندهای واقعی انجام وظایف است



(هیوز، مدیریت دولتی نوین، ۱۳۹۴: ۵۵)؛ و حضرت یوسف (ع) بافرمان «تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا» و «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا» بر فرایند فعالیت‌ها بر اساس برنامه‌ریزی تولیدی خود نظارت و کنترل داشت.

۶. مدیریت مصرف: حضرت یوسف (ع) در سال‌های فرصت از تمامی امکانات برای تولید مازاد بهره گرفت و محصولات مازاد را در سال‌های فراوانی با مکانیسم برای سال‌های بحرانی در انبارها انباشت و در شرایط بحرانی با مدیریت مصرف و اجرای عدالت اجتماعی در توزیع، ارزش‌های اصیل انسانی را نهاده‌ای ساخت «مَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا ... تَأْكُلُونَ... تُحْصِنُونَ» (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۸/ ۴۳۰).

۷. بودجه‌بندی: به فعالیت‌های مالیاتی و مالی برای حمایت اقتصادی از تکمیل برنامه‌ها، بودجه‌بندی می‌گویند (هیوز، مدیریت دولتی نوین، ۱۳۹۴: ۵۵)؛ حضرت یوسف (ع) به این مسئله توجه اساسی داشت (یوسف/۴۷-۴۹)؛ و در فاز دوم برنامه‌ریزی تولیدی خود بودجه‌بندی را با صدور دستورالعمل «يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا» به‌گونه مؤثر و کارآمد عملیاتی ساخت (رفسنجانی، تفسیر راهنما، ۱۳۸۱: ۷/ ۴۳۰).

۸. پیش‌بینی اقتصادی: همه محصولات انبارشده در سال‌های بحرانی به مصرف نرسید؛ بلکه با آینده‌نگری سرمایه‌های اصلی بذر و امکانات دیگر برای سال پانزدهم (پسابحران) پس‌انداز شد و با صدور دستورالعمل «قَلِيلًا مِّمَّا تُحْصِنُونَ» تبیین کرد که در شرایط سخت نیز باید سرمایه‌های اصلی حفظ شود (قرآنی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۶/ ۹۳). در شکل (۵) گام‌های مرتبط با مرحله فاز دوم به‌تصور کشیده شده است.



شکل ۵. مؤلفه‌های گام دوم برنامه‌ریزی تولیدی یوسف (ع)

گام سوم: خروج از وضعیت بحرانی

برنامه جامع پانزده‌ساله حضرت یوسف (ع) در حوزه تولید دارای سه مرحله بود. فاز اول، مربوط به سال‌های فراوانی و فرصت طلایی برای کشاورزی و تولید محصولات، فاز دوم؛ تدوین برنامه اقتصادی مقاومتی و جیره‌بندی سرمایه‌ها و فاز سوم با عنایت به پیش‌بینی وضعیت اقتصادی آتی خروج از شرایط بحرانی است. حضرت یوسف (ع) طرح جامع خود را با چشم‌انداز توحیدی و به‌منظور نهاده‌سازی ارزش‌ها در مدت

چهارده سال عملیاتی ساخت. با گذار از هفت سال بحران اقتصادی در سال پانزدهم آن گونه که خود آن حضرت پیش بینی کرده بود (یوسف/ ۴۹)؛ دوران وفور نعمت فرارسید و وضعیت عادی اعلان شد و این پایان آن طرح جامع و راهبردی پانزده ساله بود (ر.ک. طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۶۲/۵؛ طنطاوی، تفسیر الوسیط، بی تا: ۳۷۱/۷).

۹. شیوه عملیاتی سازی برنامه ریزی تولیدی

بدیهی است که طراحی و تدوین برنامه مطلوب به معنای اجرای موفقیت آمیز آن نیست، چه بسا برنامه ها و راهبردی دقیق طراحی و تدوین شود، ولی بدون پیاده سازی اثربخش، به شکست مواجه گردد. از این رو برخی صاحب نظران حوزه مدیریت راهبردی؛ اجرای بسیاری از برنامه ها و راهبردهای تدوین شده را به دلیل: ناتوانی در بخش بندی بازار، عقب ماندن از رقبا در توسعه و تحقیق راهبردها و بی توجهی به مزایای سیستم و پردازش اطلاعات؛ موفقیت آمیز نمی دانند (دیوید، مدیریت استراتژیک، ۱۳۹۰: ۴۹۵)؛ اما از سوی دیگر بسیاری از برنامه های جامع و راهبردی را به خاطر فراهم بودن علل و عوامل موفقیت آمیز همچون فراهم بودن بودجه، حسابداری دقیق، راهبردهای کارکردی، تحقیق و توسعه، سامانه اطلاعات، فرهنگ و انرژی سازمانی، منابع انسانی و... قرین موفقیت می دانند (دیوید، مدیریت استراتژیک، ۱۳۹۰: ۴۹۳).

خوشبختانه عوامل موفقیت آمیز، به اضافه: «شیوه اجرای مطلوب» و «مؤلفه های مؤثر در پیاده سازی» برنامه جامع حضرت یوسف (ع) را به مرحله موفقیت کامل ارتقا داد. ایشان هم راهبردهای خود را به گونه موفقیت آمیز طراحی و تدوین کرد (یوسف/ ۴۷- ۴۹)؛ و هم پیاده سازی آن را به عهده گرفت (یوسف/ ۵۵)؛ تا در راستای تحقق چشم انداز توحیدی سازوکارهای اداری و ساختار ویژه سازگار با برنامه جامع خود را به اجرا درآورد. آن حضرت در هفت سال فراوانی محصولات کشاورزی را ذخیره کرد و در سال های بحران، متناوباً پول نقد، جواهر و زیورات، مواشی و چهارپایان، غلامان و کنیزان، خانه و املاک، مزارع و حق آبه نهرها و سرانجام خود مردم را درازای مواد غذایی خرید و بدین ترتیب ملک مصر با تمامی اهالی و دارایی که داشت متعلق به آن مدیر رحمانی گردید؛ اما بر اساس رسالت و مأموریتی که داشت همه را آزاد کرده و اموالشان را پس داد و در نتیجه مردم مصر همگی یکتا پرست شدند (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۸۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳۱۴/۵).

۱۰. ارزیابی و سنجش عملکرد

نظارت و کنترل که موجب ارائه اطلاعاتی می گردد (آنسوف، استقرار مدیریت استراتژیک، ۱۳۷۵: ۵۴)؛ از موضوعاتی است که مدیر ازلی و مدبر کل نظام هستی در مدیریت بر آن تأکید فراوان کرده و نیز در رفتارها و گفتارهای پیامبران و پیشوایان راستین به ویژه در سیر مدیریتی حضرت یوسف (ع) به این مسئله عنایت ویژه شده است.

در یک نگاه کلان نظارت و کنترل از منظر قرآن به دو دسته قابل تقسیم است «نظارت مستقیم مدیر ازلی و نظارت کارگزاران آن» (یونس/ ۳، ۳۱؛ رعد/ ۲؛ سجده/ ۵). از جهت دیگر نظارت و کنترل به علنی و پنهانی



قابل تقسیم است (پیروز و دیگران، مدیریت در اسلام، ۱۳۸۸: ۲۸۲).

در نظام الهی انواعی از کارگزاران جود دارد (نازعات/۵)؛ که می‌توان آن‌ها را به فرشته‌ها، پیامبران، ائمه، مدیران، همگان و خودکنترلی تقسیم کرد. در هر حال مطالعات انجام‌شده در آموزه‌های وحیانی حاکی از آن است که حضرت یوسف (ع) به نظارت الهی (یوسف/۵۲) و کارگزاران نظام مدبر کل هستی در سیستم جامع مدیریت خود هم در حوزه طراحی و اجرای راهبرد (در شرایط عادی و شرایط بحرانی) و هم در ارزیابی عملکردها به وظیفه بنیادی به این مهم اهتمام ویژه داشته است.

گزارش‌های کلام وحی و برداشت‌های مفسران و قرآن‌پژوهان بیانگر آن است که حضرت یوسف (ع) طبق اطلاعاتی که داشت در الگوی جامع خود سازوکارهای نظارت و ارزیابی سازگار با راهبرد اصلی را با آینده‌نگری دقیق در نظر گرفت و ضمن تدوین برنامه جامع (یوسف/۴۷ - ۴۹)، و پیاده‌سازی آن (یوسف/۵۵)، به‌طور مستمر اقدام به نظارت و کنترل راهبردی نیز نموده تا از منابع مادی و معنوی برای رسیدن به هدف نهایی به نحوی احسن بهره گرفته شود.

در حوزه خودکنترلی حضرت یوسف (ع) و مؤلفه‌های اثرگذار آن استفاده می‌شود که ایشان جهت حصول اطمینان از انجام فعالیت‌ها در راستای طرح و الگوی جامع با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر بر سنجش عملکرد و کنترل راهبردی توجه اساسی داشته و برای این امر کارگزارانی را گمارده بود تا به برنامه‌ها، عملکرد نیروها و سایر منابع سازمانی، روند تولید و توزیع مواد غذایی در شرایط بحرانی طبق سیستم طراحی شده وی نظارت و کنترل صورت گیرد (یوسف/۲۳-۲۵، ۳۲، ۴۷ - ۴۹ و ۵۵ - ۵۹).

از مطالب تفسیری در ذیل آیات یادشده و نیز برخی از روایات استفاده می‌شود که یوسف صدیق (ع) برای آنکه امر خریدوفروش غله تحت حساب منظم و محکم‌ترین تاجران سودجو از موقعیت سوءاستفاده نکنند و یا مأموران دولتی در طرز تقسیم و فروش، عادلانه رفتار کنند، دستور داده بود که برنامه دقیقی در خریدوفروش غله انجام‌وظیفه و نام تمام خریداران و دریافت‌کنندگان غله روزانه در دفتر ثبت و ضبط کنند و در پایان هرروز آن دفتر را به نظر وی برسانند، به‌خصوص درباره کسانی که از خارج مصر می‌آمدند کنترل و نظارت دقیق بیشتری می‌شد تا مبادا تاجران و سرمایه‌داران شهرهای مجاور و کشورهای هم‌جوار بخواهند روی دشمنی و عداوت یا روی سود و تجارت غله مصر در برابر پول به شهرها و کشورهای خود منتقل سازند. ازاین‌رو دستور داده بود که از کسانی که از خارج مصر می‌آیند تحقیق بیشتری شود (رسولی محلاتی، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، ۱۳۸۱: ۳۳۵).

بر اساس همین رصدهای اطلاعاتی و نظارت‌های دقیق است که هنگامی که بردران حضرت یوسف (ع) ادعا صداقت کردند، حضرت یوسف (ع) گفت: چگونه و از کجا اطمینان به سخنان شما کنم آیا کسی هست که گفته‌های شما را تصدیق کند؟ شاید دروغ بگویید، گفتند: ما را در این دیار کسی نمی‌شناسد، یوسف گفت: وقتی چنین است الان من به شما مواد غذایی می‌دهم، ولی قول بدهید بار دیگر که آمدید آن برادر دیگران را نیز با خود بیاورید، گفتند: گرچه می‌دانیم پدرمان بر فراق و جدایی او بسیار اندوهگین می‌شود؛ اما باین‌وجود قول

می دهیم آن را با خود بیاوریم.

از آنجاکه یوسف (ع) می دانست در آن سرزمین فقر بیداد می کند و چاره جز بازگشت ندارند گفت اگر به قول قرار خود عمل نکنید دیگر برای دریافت آذوقه به مصر بازنگردید و به نزد ما نیایید «فَإِنْ لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ» (یوسف/۶۰)؛ «آن‌ها گفتند: «ما به‌زودی طبق برنامه او را از پدرش خواهیم خواست و به نزد شما خواهیم آورد و حتماً این کار را انجام خواهیم داد.»

وقتی فرزندان یعقوب نبی (ع) بار دوم به مصر آمدند طبق سفارش پدر که گفته بود: «لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ وَاحِدٍ وَ ادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ» (یوسف/۶۷)؛ از دروازه‌های مختلف وارد شهر شدند (یوسف/۶۸)، ولی سرانجام کارگزاران و ناظران گماریده در این حوزه آن‌ها را شناسایی کرده و به نزد حضرت یوسف (ع) بردند (یوسف/۶۹).

علاوه بر این آیات مستفاد از محتوای آیات ۴۷ تا ۴۹ سوره یوسف و مطالب تفسیری ذیل این آیات نیز نکات ظریف و دقیقی در حوزه نظارت و کنترل راهبردی در مدیریت وی استفاده می‌شود. ایشان در هفت سال اول و نیز در هفت سال دوم هم برنامه‌ها را تدوین کرد و هم به اجرا درآورد و هم کارگزاری برای نظارت و کنترل گماشت.

با این اقدام راهبردی هم فاصله طبقاتی ظالمانه را از بین برد و هم ابزار قدرت و استعمار را از دست مرفهان بی‌درد بی‌دین گرفت (طباطبایی، المیزان، ۱۴۱۷: ۱۱/۲۸۱).

حضرت یوسف با برنامه جامع و نظارت فراگیر زمینه استقرار عدالت اجتماعی را فراهم ساخت. چنانکه قبلاً هم بیان شد در آموزه‌های وحیانی تأکید بیشتر به نظارت درونی و خودکنترلی نسبت به دیگر شیوه‌ها شده است و برای آن مؤلفه‌های زیادی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها جهت تعالی و تکامل انسان و نهاده‌سازی باورهای توحیدی خدامحوری، معاد باوری، عدالت‌گستری، پاداش‌دهی نظام‌مند، معرفت‌افزایی و توجه به نیازها و رفاه نیروی انسانی است.

بی‌تردید نهاده‌سازی آن در سازمان موجب کمال نیروها، تلاش و مراقبت مستمر بر عملکرد خود جهت تحقق اهداف کلان، پیشرفت و رشد متوازن فردی و سازمانی خواهد شد. در مدیریت راهبردی حضرت یوسف (ع) به این مسئله اهتمام خاص شده که در جای‌جای این تحقیق به مناسبت‌ها اشاره شد.

نتیجه

یافته‌های به‌دست‌آمده از بررسی برنامه‌ریزی جامع حضرت یوسف (ع) دربرگیرنده موارد متعددی است که با نگاه کلان مجموعه عناصر فرایند و شاخص‌های اساسی آن را می‌توان در گزاره‌های زیر بیان کرد:

حضرت یوسف (ع) بر اساس چشم‌انداز توحیدی برنامه جامع پانزده‌ساله را طراحی کرد. قبل از پذیرش مقام مدیریت عالی و اجرای برنامه‌ها، اعاده حیثیت کرد تا اذهان عمومی نسبت به پاک‌ی، صداقت و شایستگی وی آگاه شود. در یک فرایند منطقی محیط داخلی و خارجی سازمان بزرگ مصر را برای تدوین برنامه راهبردی به تجزیه و تحلیل گرفت. فرمانروای مصر با مشاهده توانمندی‌های بی‌بدیل او وی را مکین و امین خواند و برای



عملیاتی سازی برنامه‌اش، به آن حضرت اختیار تام و تمام داد. یوسف (ع) با تجزیه و تحلیل دقیق سوالات برنامه‌ها را تدوین کرد، سپس اجرای آن را نیز به منظور تحقق اصول، راهبردها، تثبیت باورها و ارزش‌های دینی و ایجاد عدالت اجتماعی بر عهده گرفت. در گام اول که در یک بازه زمانی هفت‌ساله بود، شاخص‌های مانند هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی تولیدی، تجربه و تحلیل محیطی، بهره‌گیری مطلوب از فرصت‌ها، استفاده بهینه از منابع و امکانات، آینده‌نگری، خلاقیت و نوآوری و تمرکزگرایی را مورد توجه قرار داد.

در گام دوم که آن نیز در بازه زمانی هفت‌ساله و در شرایط بحرانی بود، به شاخص‌های مانند شناسایی تهدیدها، بسترسازی روانی، برنامه برای شرایط بحرانی، برنامه اقتصاد مقاومتی، فرماندهی و مدیریت مصرف را در کانون تمرکز قرار دارد.

در گام سوم که سال پانزدهم باشد دوره زمانی این برنامه راهبردی به اتمام رسید و فرجام نهایی آن بیرون آوردن تمامی ثروت و دارایی (مال، خانه، زیورآلات، غلامان و کنیزها و سهم آب) و حتی دادن تعهد خدمت کاری همه شاه و گدا به نظام توحیدی است و در چنین شرایط و موقعیت با بزرگواری تمام حضرت یوسف (ع) فرمود: همه شمارا آزاد کردم و مقام و اموالتان را بر می‌گردانم خداوند مرا مأموریت به نجات و آزادسازی شما از قید و بندهای بی‌بنیاد داده است نه اینکه خود بلایی بر شما باشم خداوند گواه است و شما هم شاهد باشید.

وقتی مردم دیدند یوسف (ع) آنان را از بحران کشته نجات داد، پس از آنکه هرچه در مصر بود در ملک یوسف (ع) درآمد با بزرگواری تمام مردم را آزاد و اموال و دارایی‌هایشان را به خودشان برگرداند، مردم شیفته مرام او شدند و با میل خود پرستش تندیس‌هایی ساخته شده از سنگ، چوب، فلز و مانند آن را رها کرده و عاشقانه موحد و پیرو یوسف (ع) گردیدند.

درواقع آن حضرت توانست با بهره‌گیری از فرصت‌ها و ذخیره‌سازی منابع ارزی و اجرای موفق برنامه جامع هم بحران اقتصادی را مدیریت کند و هم فاصله‌های طبقاتی ناروا را از بین ببرد و هم دانایی و توانایی و بزرگواری از خود بروز و ظهور دهد که با مشاهده آنان مردم شیفته و دل‌باخته او شوند و با نفوذی که بر دل‌ها داشت دستوراتش با میل و رغبت پذیرفته و عملیاتی می‌شد.

حضرت یوسف (ع) با تدبیر بی‌نظیر و عملیاتی‌سازی برنامه پانزده‌ساله و نظارت دقیق در طی فرایند سه مرحله‌ای توانست حکومت مبتنی بر نظام ارزشی دینی ایجاد کند و با فرهنگ‌سازی روزبه‌روز گرایش به توحید در میان مردم افزایش یابد و سرانجام نظام ارزشی دینی را نهادینه و استقرار بخشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه، رضایی اصفهانی، محمد علی و همکاران، نخستین ترجمه گروهی قرآن کریم، قم: دار الذکر، ۱۳۸۴ ش.
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بی جا: بی نا، بی تا.
۳. ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۴۰ ق.
۴. ابن منظور، جمال الدین، لسان العرب، بیروت: دار احیا التراث العربی، ۱۴۱۴ ق.
۵. احمدی، علی و همکاران، نگرشی جامع بر مدیریت استراتژیک، تهران: انتشارات تولید دانش، ۱۳۹۰ ش.
۶. اعرابی، سید محمد، نبی الله دهقانی، روش های تحقیق در مدیریت راهبردی، مجله رهبر، شماره ۶۰، ۱۳۹۰.
۷. انسوف و ادوارد، جی مک دانل، استقرار مدیریت استراتژیک، ترجمه عبدالله زندیه، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
۸. آلوسی، سید محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
۹. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرالحکم و درر الکم، تهران: دار الكتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۱۰. پیروز، علی آقا و همکاران، مدیریت در اسلام، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
۱۱. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۱ ش.
۱۲. —، سیره پیامبران در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. —، وحی و نبوت در قرآن، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. خاکی، غلامرضا، روش تحقیق با رویکرد پایان نامه نویسی، تهران: نشر نی، ۱۳۸۷ ش.
۱۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران: لاهیجی، ۱۳۷۳ ش.
۱۶. دیوید، فرد آر، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسائیان و سید محمد اعرابی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دارلقلم، ۱۳۷۴.
۱۸. رسولی محلاتی، سیدهاشم، قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۱.
۱۹. رضائیان، علی، اصول مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. —، مدیریت تعارض و مذاکره، تهران، سازمان سمت، ۱۳۸۲ ش.
۲۱. —، مبانی سازمان و مدیریت، تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
۲۲. —، «مدیریت بر مبنای ارزش های اسلامی»، فصلنامه دانش مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴، تابستان ۱۳۷۵.



۲۳. رایبیز، استقین، تئوری سازمان، ترجمه سیدمهدی الوانی و حسن دانایی‌فرد، تهران: صفار، ۱۳۸۹ ش.
۲۴. ساترلند، جان‌اتان، دیانا کانول، مفاهیم کلیدی مدیریت استراتژیک؛ ترجمه مهدی مشفق، محمد تقوی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
۲۵. سیدقطب، بن ابراهیم شاذلی، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت: انتشارات دارالشروق، ۱۴۱۲ ق.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ ق.
۲۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۷۲ ق.
۲۸. طبری، محمد ابن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفه، ۱۴۱۲ اق.
۲۹. طنطاوی، سید محمد، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، نرم‌افزار جامع تفاسیر، بی تا.
۳۰. عسکری، مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم: اصول‌الدین، ۱۳۷۴ ش.
۳۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۴ ش.
۳۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۳۳. —، سیصد نکته در مدیریت اسلامی بر اساس تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، سازمان چاپ و انتشارات اوقاف، ۱۳۹۱ ش.
۳۴. شفیعی، عباس، رویکرد اسلامی به مدیریت رفتار سازمانی در سطح سازمان، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶ ش.
۳۵. کتاب المقدس، تورات، بیروت: دارالکتب المقدس فی شرق الاوسط، ۱۹۹۳ ش.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۳۷. مصباح‌زیدی، محمدتقی، پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.
۳۸. مکارم‌شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
۳۹. منطقی، محسن، «آینده پژوهی؛ ضرورت آینده مطالعات فرهنگی و علمی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره اول سال ۱۳۹۰.
۴۰. منوریان، عباس، تفکر استراتژیک: مفهوم، عناصر و مدل‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ش.
۴۱. موحدی‌نژاد، محمد، سیمایی مدیر موفق، تهران: مهر، ۱۳۹۰ ش.
۴۲. نیازمند، سیدرضا، «نگاهی دیگر به داستان حضرت یوسف» مجله، علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۶، ۱۳۸۴ ش.
۴۳. هاشمی‌رفسنجانی، اکبر و جمعی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، تفسیر راهنما، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱ ش.
۴۴. هیوز، آون، مدیریت دولتی نوین، ترجمه سید مهدی الوانی و همکاران، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۸۴ ش.

References

۱. The Holy Quran ,Translation of the Quran, Rezaei Isfahani, Mohammad Ali et al., The first group translation of the Holy Quran, Qom: Dar al-Dhikr, ۲۰۰۵.
۲. “Strategic Planning and Needs Assessment”, <http://eric-web.tc.columbia.edu/adminfinance/strategic/chzhtml>.
۳. Ahmadi, Ali, et al., A Comprehensive Approach to Strategic Management, Tehran: Tawlid Danish Publications, ۲۰۱۱.
۴. Allamah Askari, Morteza, Al-Quran Al-Karim and Narrations of Two Major Islamic Sects, Qom: Usul al-Din, ۱۹۹۵.
۵. Alousi, Seyyed Mahmoud, Ruh al-Ma’ani fi Tafsir al-Quran al-’Azeem (The Spirit of Meanings in Gracious Quran Exegesis), Beirut: Dar al-Kutub al-Ilamiyyah, ۱۴۱۵ A.H.
۶. Amodi, Abdulwahid bin Mohammad, Ghurar al-Hikam wa Durar al-Kalim, Tehran: Dar al-Kitab al-Islami, ۱۴۱۰ A.H.
۷. Ansuf and Edward, J. McDonnell, The Establishment of Strategic Management, Translated by Abdullah Zandieh, Tehran: SAMT, ۲۰۰۶.
۸. David, Fred R., Strategic Management, Translated by Ali Parsaian and Seyyed Mohammad I’rabi, Tehran: Cultural Research Office, ۲۰۱۱.
۹. Dehkhoda, Ali Akbar, Dictionary, Tehran, University of Tehran: Lahiji, ۱۹۹۴.
۱۰. Fry L. Fred & Stoner R. Charles, “Strategic Planning for the New and Small Business”, Upstart Publishing Company Inc. ۱۹۹۵.
۱۱. Hashmi Rafsanjani, Akbar and A Group of Researchers from the Quran Culture and Education Center, Commentary of Rahnuma (Guide), Qom: Islamic Preaching Office of Qom Seminary, ۲۰۰۲.
۱۲. Hughes, Avon, Modern Public Management, Translated by Seyyed Mehdi Elwani and Colleagues, Tehran: Murwarid Publications, ۲۰۰۵.
۱۳. I’rabi, Seyyed Mohammad, Nabiullah Dehqani, Research Methods in Strategic Management, Rahburd Magazine, No. ۶۰, ۲۰۱۱.
۱۴. Ibn Ashur, Muhammad ibn Tahir, Tafsir al-Tahrir and al-Tanvir, n.p., N.p., n.d.
۱۵. Ibn Faris, Ahmad bin Faris bin Zikariyya, Mujam Maqayis al-Laghah, Qom: Islamic Preaching Office, ۱۳۴۰ A.H.



۱۶. Ibn Manzoor, Jamal al-Din, Lisan al-Arab (Dictionary of Arabic Language), Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi, ۱۴۱۴ A.H.
۱۷. Javadi Amoli, Abdullah, Prophets' Conduct in the Quran, Qom: Esra Publishing Center, ۲۰۱۰.
۱۸. Javadi Amoli, Abdullah, Revelation and Prophecy in the Quran, Qom: Esra Publishing Center, ۲۰۰۵.
۱۹. Javadi Amoli, Abdullah, Tafsir Tasnim, Qom: Esra Publishing Center, ۲۰۰۲.
۲۰. Khaki, Ghulamreza, Research Method with Thesis Writing Approach, Tehran: Ney Publishing, ۲۰۰۸.
۲۱. Kulayni, Muhammad bin Yaqub, al-Kafi, Tehran: Dar al-Katb al-Islamiya, ۱۴۰۷ A.H.
۲۲. Lamtiqi, Mohsen, "Future Studies; The Future Necessity of Cultural and Scientific Studies", Islam and Management Researches, First Issue, ۲۰۱۱.
۲۳. Lerner L. Alexandria, "A Strategic Planning Primer for Higher Education", <http://www.des.calstate.edu/strategic.html>, ۲۰۰۲.
۲۴. Makarem Shirazi, Naser et al., Tafsir al-Nemounah (The Ideal Exegesis), Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, ۱۹۹۵.
۲۵. Manawwaririan, Abbas, Strategic Thinking: Concept, Elements and Models, Tehran: Tehran University Press, ۲۰۱۵.
۲۶. Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, Prerequisites of Islamic Management, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, ۲۰۰۹.
۲۷. Mowahhidinejad, Mohammad, Successful Manager Specifications, Tehran: Mehr, ۲۰۱۱.
۲۸. Niazmand, Seyyed Reza, "The Story of Hazrat Yusuf; from Another Perspective", Journal of Quran and Hadith Sciences, No. ۴۶, ۲۰۰۵.
۲۹. Omid, Hassan, Farhang Farsi Omid, Tehran: Amirkabir Publications, ۲۰۰۵.
۳۰. Parnell A. John, "Strategic Planning Emphasis and Planning Satisfaction in Small Firms: An Empirical Investigation", "Journal of Business Strategies", <http://coba.shsu.edu/bs> ۱۹۹۶.
۳۱. Pirouz, Ali Agha, et al., Management in Islam, Qom: Howzha and University Research Center, ۲۰۰۹.
۳۲. Qara'ati, Mohsen, Tafsir Noor, Tehran, Cultural Center of Lessons from the Quran, ۲۰۰۴.

۳۳. Qara'ati, Mohsen, Three Hundred Points in Islamic Management Based on Tafsir Noor, Lessons from the Quran Cultural Center, Awqaf Printing and Publishing Organization, ۲۰۱۲.
۳۴. Raghib Isfahani, Hossein bin Muhammad, Al-Mufardat fi Gharib al-Quran, Beirut: Dar al-Qalam, ۱۳۷۴ A.H.
۳۵. Rasouli-Mahallati, Seyed Hashim, Stories of the Quran or the History of the Prophets, Tehran: Islamic Culture Publishing House, ۱۵th Edition, ۲۰۰۲.
۳۶. Rezaian, Ali, Conflict Management and Negotiation, Tehran, SAMT Organization, ۲۰۰۳.
۳۷. Rezaian, Ali, Fundamentals of Organization and Management, Tehran: SAMT, ۲۰۰۹.
۳۸. Rezaian, Ali, Management Based on Islamic Values, Management Science Quarterly, Numbers ۳۳ and ۳۴, Summer ۲۰۰۶
۳۹. Rezaian, Ali, Principles of Management, Tehran: SAMT, ۲۰۱۴.
۴۰. Robbins, Stephen, Theory of Organization, Translated by Seyyed Mahdi Alwani and Hassan Danaifard, Tehran: Saffar, ۲۰۱۰.
۴۱. Seyyed Qutb, Ibn Ibrahim Shazili, Tafsir fi Zhilal al-Quran, Beirut: Dar al-Shoroq Publications, ۱۴۱۲ A.H.
۴۲. Shafi'ee, Abbas, Islamic Approach to Management of Organizational Behavior at the Organization Level, Qom: Hawzah and University Research Center, ۲۰۱۷.
۴۳. Sutherland, Jonathan, Diana Connell, The Key Concepts of Strategic Management; Translated by Mehdi Mushfiq, Mohammad Taqavi, Tehran: Imam Sadiq University (A.S), ۲۰۱۱.
۴۴. Tabarsi, Fazl bin Hassan, Majm'l al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Tehran: Nasir Khosrow Publications, ۱۹۹۳ A.H.
۴۵. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein, Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran, Qom: Jamia Madarrisin of Islamic Seminary, ۱۴۱۷ A.H.
۴۶. Tabri, Muhammad ibn Jarir, Jame' al-Bayan fi Tafsir al-Quran, Beirut: Dar al-Ma'rifah, ۱۴۱۲ A.H.
۴۷. Tantawi, Seyyed Mohammad, Al-Tafsir al-Wasit for the Holy Quran, Software for Comprehensive Exegeses, n.d.
۴۸. The Bible, Torah, Beirut: Dar al-Kitab al-Muqaddas in the Middle East, ۱۹۹۳.